



کنجینه گویش های ایرانی

(استان خراسان ۱)

تألیف

دکتر محسن صادقی

با همکاری

صفورا صحراگرد، علی اسدالهی دشت بیاض،

حسین پرپوش، فضل اله برزگر، حبیب آقایی

بجستان، علی محمدیان گاش و مجتبی نهالدانی

گویش های:

اردکولی

دشت بیاضی

دربندی

وکیل آبادی

بجستانی

گاشی

نهالدانی

دفتر اول

گنجینه گویش‌های ایرانی

(استان خراسان ۱)

گنجینه گویش‌های ایرانی

(استان خراسان ۱)

تألیف

دکتر محسن صادقی

با همکاری

صفورا صحراگرد، علی اسدالهی دشت بیاض،

حسین پریوش، فضل‌اله برزگر، حبیب آقایی

بجستان، علی محمدیان گاش و مجتبی نهالدانی

گویش‌های:

اردکولی

دشت بیاضی

دربندی

وکیل آبادی

بجستانی

گاشی

نهالدانی

گنجینه گویش‌های ایرانی (استان خراسان ۱)

مؤلف: محسن صادقی

با همکاری: صفورا صحراگرد، علی اسدالهی دشت بیاض، حسین پریوش، فضل‌الله برزگر، حبیب آقایی بجستان، علی محمدیان گاش و مجتبی نهالدانی

ویراستار: یلدا شکوهی

مدیر فنی چاپ: حمیدرضا دمیرچی

چاپ اول: ۱۳۹۹ شماره: ۵۰۰ نسخه قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی: دریا چاپ و صحافی: اوقاف و امور خیریه

شابک دفتر اول: ۸-۹۰-۸۷۳۵-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978-600-8735-90-8

شابک دوره: ۵-۹۱-۸۷۳۵-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978-964-8735-91-5

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو، خروجی کتابخانه ملی، بلوار دکتر حسن حبیبی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

تلفن: ۶۸-۸۸۶۴۲۳۳۹-(۰۲۱); دورنگار: ۸۸۶۴۲۵۰-(۰۲۱)

وبگاه: www.apll.ir

حق چاپ محفوظ است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه صادقی، محسن، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور گنجینه گویش‌های ایرانی استان خراسان ۱: گویش‌های اردکولی، دشت بیاضی، دربندی، وکیل‌آبادی، بجستانی، گاشی، نهالدانی/ تألیف محسن صادقی؛ با همکاری صفورا صحراگرد... او دیگران]. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۴۰۰.

مشخصات نشر ص. ۴۵۰

مشخصات ظاهری

فروست فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۲۲۲.

شابک 978-600-8735-90-8

وضعیت فهرست‌نویسی فیپا

یادداشت با همکاری صفورا صحراگرد، علی اسدالهی دشت بیاض، حسین پریوش، فضل‌اله برزگر، حبیب آقایی

بجستان، علی محمدیان گاش، مجتبی نهالدانی.
ص.ع. به انگلیسی: Mohsen Sadeghi. The Treasury of Iranian Dialects Khorasan Province I. کتابنامه: ص. [۴۴۹]-۴۵۰.

یادداشت نمایه.

عنوان دیگر

گویش‌های اردکولی، دشت بیاضی، دربندی، وکیل‌آبادی، بجستانی، گاشی، نهالدانی.

موضوع زبان‌های ایرانی -- ایران -- خراسان -- گویش‌ها

موضوع Iranian languages -- Dialects -- Iran -- Khorasan

موضوع گویش‌شناسی

موضوع Dialectology

موضوع فارسی -- ریشه‌شناسی -- واژه‌نامه‌ها

موضوع Persian language -- Etymology -- Dictionaries

شناسه افزوده صحراگرد، صفورا، ۱۳۶۴-

شناسه افزوده فرهنگستان زبان و ادب فارسی

شناسه افزوده Academy of Persian Language and Literature

رده‌بندی کنگره PIR۳۰۲۴

رده‌بندی دیوبی ۴۸/۹

شماره کتاب‌شناسی ملی ۷۵۴۸۰۴۲

به روان پاک استاد دکتر محسن ابوالقاسمی
(۱۳۹۷-۱۳۱۵)

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه دکتر محمدتقی راشدمحصل	۹
پیشگفتار	۱۱
معرفی مناطق مورد مطالعه	۱۵
گویشوران این دفتر	۲۷
جدول نشانه‌های آوایی	۳۱
برخی نکات دستوری گویش‌های مورد مطالعه	۳۳
واژه‌نامه موضوعی، فعل‌ها و مصدرها، جمله‌های فارسی و معادل گویشی آن‌ها	۸۳
اندام‌های بدن انسان و واژه‌های وابسته	۸۴
ابزارهای کار، وسایل خانه، مواد و کانی‌ها	۹۴
آفت‌ها، بیماری‌ها و واژه‌های وابسته	۱۱۲
بستگان، آشنایان، پیشه‌وران و واژه‌های وابسته	۱۲۰
مکان‌ها، معماری، مصالح و اجزای ساختمان	۱۳۰
پوشیدنی‌ها، زیورها و وابسته‌های آن‌ها	۱۳۸
گیاهان، میوه‌ها و خوراکی‌ها	۱۴۴
جانوران، موجودات خیالی و واژه‌های وابسته	۱۶۰
عناصر و موقعیت‌های جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی	۱۷۴
اعداد و واحدهای اندازه‌گیری	۱۸۲
مزه‌ها و رنگ‌ها	۱۹۴
ضمیرها	۱۹۶
خصلت‌های انسانی، رفتارها و واژه‌های وابسته	۲۰۰
واژه‌های متضاد	۲۱۲
فعل‌های لازم و متعدی	۲۲۴
مصدرها	۲۶۲
مصدرهای مرکب	۳۰۲
جمله‌ها	۳۱۱
داستان‌های محلی	۳۶۳
نمایه فارسی	۴۲۱
کتاب‌نامه	۴۴۹

مقدمه

سرزمین پهناور ایران در طول تاریخ دیرپای خود، زبان‌ها و گویش‌های پرشماری داشته است که بسیاری از آن‌ها اکنون گویشوری ندارد و از میان رفته است و تنها از روی نوشته‌های بازمانده بر سنگ، فلز، چوب، دیوار، پوست و ... به خط‌ها و زبان‌های مختلف به وجود آن‌ها می‌توان پی برد. از میان همه زبان‌ها و گویش‌های کهن، زبان فارسی با گویندگان پرشمار خود به‌عنوان زبان رسمی و گویش‌های متنوع آن به همت سخنوران، نویسندگان و گویشوران آن برجای مانده و آثار ارزشمند ادبی و علمی که حاصل کوشش متفکران ایرانی است به آن نوشته شده است و برترین عامل پیوند اقوام گوناگون و سند افتخار ملی و هویت‌بخش ایران و ایرانی به‌شمار می‌رود.

گویش‌های ایرانی در شهرها و روستاهای ایران و کشورهای افغانستان و تاجیکستان سده‌های متمادی را درنوردیده و میراث پربرار فرهنگی و فکری مردم را در درازای تاریخ پاییده است. این گویش‌ها در حفظ واژه‌های کهن و ویژگی‌های دستوری از زبان‌های رسمی محافظه‌کارترند و راویان راستین اندیشه‌ها و پندارهای عامه مردم و نسل‌های پیشین‌اند که امروز با گسترش رسانه‌های همگانی و ارتباط‌های آسان میان شهرها و کشورها و توسعه مدارس و اقبال به آموختن زبان‌های دیگر و ... در معرض زوال و خاموشی‌اند و بیم آن است که در آینده‌ای نه‌چندان دور به فراموشی سپرده شوند، یا اینکه بسی از ویژگی‌های کهن آن‌ها زیر سلطه زبان معیار کم‌رنگ و بی‌اثر شود؛ بنابراین حفظ و ثبت و ضبط گویش‌ها در بُعد واژه‌ها، دستور زبان، مکالمه‌های روزانه، داستان‌ها، مثل‌ها و اصطلاحات محلی خاص پیشه‌ها ضرورتی انکارناپذیر است. این آگاهی‌های گویشی در واژه‌گزینی و معادل‌سازی واژه‌های بیگانه، تصحیح متن‌های کهن فارسی، شناخت معنا و ریشه‌شناسی واژه‌ها و بازشناسی نوادر لغات فارسی و تنظیم دستورهای تاریخی یاریگر پژوهندگان و منبعی سودمند برای شناخت شیوه‌های زندگی اجتماعی و آئین‌های ریشه‌دار تاریخی و بازتاب‌دهندهٔ باورهای مردمی هستند که به تاریخ پیوسته‌اند.

با توجه به این ضرورت‌ها فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تأسیس با تشکیل گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی به امر ساماندهی گویش‌ها همت گمارد و از سال ۱۳۸۹ این کار به‌صورت رسمی و سازمان‌یافته با تنظیم شیوه‌نامه‌ای که اهداف یادشده را تأمین کند، ادامه یافت و از پژوهشگران علاقه‌مند به گردآوری گویش دعوت به عمل آمد تا فرهنگستان را در این مهم یاری کنند. در این راستا تاکنون چندین مجموعه با عنوان *گنجینه گویش‌های ایرانی* که

غالباً حاصل تلاش و کار مشترک گویش‌پژوهان و پژوهشگران گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی است، منتشر شده است. شایان ذکر است که این گنجینه بر اساس پرسش‌نامه‌ای فراهم آمده است که بر روی وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی به نشانی www.persianacademy.ir در دسترس عموم پژوهشگران علاقه‌مند قرار گرفته است.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی همچون گذشته آماده دریافت داده‌های گویشی از سوی پژوهشگران و علاقه‌مندان به گردآوری زبان‌ها و گویش‌های ایرانی است و پیشاپیش از همکاری همه آن‌ها سپاسگزاری می‌کند.

محمدتقی راشد محصل

مدیر گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

پیشگفتار

«کوچک‌ترین شهری از خراسان نیست، مگر آنکه روستاهای آن زبان دیگر داشته باشند.»
(مقدسی، احسن‌التقاسیم)

مجموعه حاضر، دربردارنده داده‌های گردآوری‌شده از هفت گویش رو به زوال خراسان است. از میان گویش‌های این دفتر، آزدکولی و دشت بیاضی در خراسان جنوبی و سایر گویش‌ها در خراسان رضوی رواج دارند؛ اگر شهرهای مهم خراسان قدیم ملاک قرارگیرد اردکولی، وکیل‌آبادی (= قلعه‌کاهی‌های مهاجر به وکیل‌آباد) و دربندی (= بهلولی‌های مهاجر به دربند) در حوزه فرهنگی قهستان و هرات، دشت بیاضی در حوزه پارس خراسان، بجستانی در حوزه نیشابور و نهالدانی در حوزه بیهق (= سبزوار) قرار می‌گیرد؛ گاش نیز در مرکز منطقه کوهستانی و پر رمز و راز، بین طوس، چناران، رادکان، قوچان، درگز، کلات نادری و سرخس واقع شده است.

در این پژوهش، پس از معرفی مختصر مناطق مورد مطالعه و نشان دادن موقعیت جغرافیایی هر یک از آن‌ها روی نقشه، با هدف آشنایی مقدماتی مخاطب، برخی نکات دستوری گویش‌ها ذکر شده که البته بیان فنی و تخصصی همه خصوصیات مد نظر نبوده است. باین‌حال، در این خصوص بیان دو نکته ضرورت دارد اول اینکه در اغلب گویش‌ها به‌دلیل تأثیرپذیری از فارسی امروز ایران، یا دیگر گویش‌های خراسان بزرگ برخی استثناها و چندگونگی‌های دستوری دیده می‌شود. برخی از این استثناها و چندگونگی‌های دستوری، نتیجه مقبولیت ادبیات شفاهی یک گویش در دیگر گویش‌هاست؛ با این توضیح که در خراسان، داستان‌های منظوم و منثور زیادی رواج دارد که کل یا منتخبی از آن‌ها از یک گویش به گویش دیگر راه می‌یابد. در گویش مبدأ تا حد امکان بومی‌سازی صورت می‌پذیرد، اما همواره نشانه‌هایی از گویش مادری گوینده یا سراینده اصلی دست‌نخورده باقی می‌ماند (برای نمونه داستان‌ها، نک: قهرمان، ۱۳۸۳: ۵۱۴-۵۹۵). دوم اینکه برخی نکات دستوری مطرح شده در این بخش، از داستان‌ها و گفتگوهای نقل شده که صورت کامل آن‌ها در این دفتر نیامده است.

واژه‌نامه موضوعی، فعل‌ها و مصدرها، جمله‌های فارسی و معادل گویشی آن‌ها نیز بر مبنای الگوی گنجینه گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ارائه شده است. پیرامون این قسمت از پژوهش باید یادآور شویم که برخی واژه‌های پرسش‌نامه مبنا در گویش‌های این دفتر معادل ندارد، برای بیان مفهوم برخی دیگر از آن‌ها نیز گاه از گروه یا عبارت استفاده می‌شود. معادل گویشی برخی جملات نیز با آنچه در الگو آمده متفاوت است. افزون بر این، تحت تأثیر

عوامل بیرونی و بعضی تحولات درون‌گویی، برخی واژه‌ها دو یا چند صورت آوایی دارند در این گونه موارد، سعی شده اطلاعات ضبط و گردآوری شده با رعایت اصل امانت‌داری در اختیار مخاطبان قرار گیرد.

شایان ذکر است تعدادی از ویژگی‌ها و واژه‌های فارسی قدیم که برخی از آن‌ها در متون کهن هم به کار رفته است اما دیگر در فارسی امروز ایران متداول نیست، در گویش‌های این دفتر حفظ شده است. به کمک برخی از این نوع واژه‌ها و ویژگی‌ها می‌توان برای تصحیح و شرح واژه‌های دشوار متون کهن یا گونه‌شناسی سخنان باقی‌مانده از صوفیان مناطق مختلف خراسان پیشنهاد تازه مطرح کرد (برای آگاهی بیشتر نک: راشدمحصل و صادقی، ۱۳۹۰: ۷۲-۸۷؛ ۱۳۹۲: ۹۱-۱۰۵؛ صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۹؛ ۱۳۹۴: ۱۸۶-۱۹۱؛ الف: ۱۳۸-۱۴۵؛ ب: ۱۳۹۵-۱۸۳؛ ۱۸۵ و ...). در این پژوهش برای آشنایی بیشتر مخاطب، از هر گویش یک افسانه یا داستان محلی هم آورده شده است. اغلب در افسانه‌ها و داستان‌های محلی شاخصه‌های گویی بیشتر و کهن‌تری مشاهده می‌شود. افزون‌بر فواید زبانی، برخی بن‌مایه‌ها و مضمون‌های کهن ایرانی نیز از طریق این شاخه از ادبیات شفاهی به روزگار ما رسیده است (برای نمونه نک: صادقی، ۱۳۹۵: ج ۱-۱۶۵-۱۸۳). بیان این نکته هم ضرورت دارد که پیاده‌سازی افسانه‌ها و داستان‌های محلی با پابندی کامل به گفتار راویان، کاری دشوار، پرزحمت و وقت‌گیر است. آن‌طور که سیپک (۱۳۹۳: ۷۶) اشاره می‌کند ارائه افسانه به زبانی سریع، موجب شده است که محققان اروپایی نیز در تدوین آن‌ها با مشکل مواجه شوند.

علاقه‌مندی مؤلف به این شاخه پژوهشی، به نشستی بازمی‌گردد که اوایل دهه هشتاد در قطب علمی فردوسی و شاهنامه دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد و میهمانان ویژه آن، دو استاد گرامی: جناب آقای دکتر محمدتقی راشدمحصل و جناب آقای دکتر علی‌اشرف صادقی بودند. پس از آن، نگارنده بر مبنای روش نمونه‌گیری، کار شناسایی بسیاری از گویش‌های خراسان جنوبی را هنگام اشتغال در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قانات (۱۳۸۳-۱۳۸۶) به تن خویش انجام داد. شناسایی، گردآوری و ضبط گفتار پیوسته از گویش‌های دیگر نیز پس از سال ۱۳۸۶ و اغلب با همکاری خانم صفورا صحراگرد، کارشناس ارشد پژوهش هنر، صورت پذیرفت. در این مرحله، ضبط و جمع‌آوری شاخه آوازی موسیقی محلی و مقامی خراسان - که افزون‌بر جنبه موسیقایی، به لحاظ گویی و ادبی هم سودمندی‌های فراوان دارد- بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در میانه‌های راه، تعدادی از دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور خراسان رضوی نیز، برای گردآوری ادبیات شفاهی و گویش زادگاه خود، به ما پیوستند و بدین ترتیب، گنجینه‌ای ارزشمند از گویش‌ها و ادبیات شفاهی خراسان‌های رضوی،

شمالی و جنوبی، سیستان و مناطق هرات، بلخ، بدخشان و پنجشیر در کشور افغانستان ضبط و گردآوری شد. این دفتر و دفترهای بعدی، حاصل این کار جمعی و درازمدت است اگر قبول افتد و خدمتی به زبان فارسی شمرده شود همه ما به یک اندازه در اجر آن سهم داریم، اما سهوها و کاستی‌های احتمالی بر عهده مؤلف است.

در این راه، خود را وامدار و سپاسگزار استادان و عزیزان بسیاری می‌دانم. یقین دارم این پژوهش، بی‌همری و راهنمایی استادانم: دکتر رضا زمردیان، دکتر محمدرضا راشدمحصل، دکتر عبدالله رادمرد و زنده‌یاد دکتر تقی وحیدیان کامیار در دوره تحصیلی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی و دکتر محمدتقی راشدمحصل، دکتر مهشید میرفخرایی و دکتر علی‌محمد پشتدار در مقطع دکتری این رشته، به سرانجام نمی‌رسید. دکتر محسن ابوالقاسمی - که رحمت بر آن تربت پاک باد- نیز در تابستان ۱۳۹۰ گره برخی دشواری‌ها را گشودند و سخاوتمندانه مطالبی بیان فرمودند که به تصریح خودشان در کتاب‌های ایشان نیامده است. دکتر صدیقه‌سادات مقداری استاد گروه زبان‌شناسی، دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر محمدجواد عرفانی بیضائی، دکتر حسن بساک، دکتر نصرت ناصری مشهدی، دکتر مرتضی چرمگی عمرانی، دکتر حامد خاتمی‌پور، دکتر طاهره میرزایی و دکتر نعمت‌الله پناهی استادان گروه زبان و ادبیات فارسی و دکتر علی‌اصغر کدیور و دکتر سید امیرمحمد علوی‌زاده استادان گروه جغرافیا نیز هر کدام به‌طریقی در این راه صمیمانه همراهی کردند. گویشوران گویش‌های مورد بررسی نیز، مؤلف و همکار-گویشوران وی را با مهربانی به جمع خانوادگی خود پذیرفتند. مهر و نیکی همه این عزیزان را قدر می‌نهم و سپاس فراوان دارم. چاپ و انتشار این دفتر، نتیجه محبت استاد دکتر محمدتقی راشدمحصل، مدیر آگاه و فرهیخته گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و همکاران فاضل و توانمند ایشان، به‌ویژه جناب آقای دکتر محمد حسن‌دوست، سرکار خانم دکتر یلدا شکوهی، جناب آقای دکتر مجید طامه و سرکار خانم جمیله حسن‌زاده است. برای آن‌ها تندرستی و شادکامی آرزو می‌کنم.

محسن صادقی

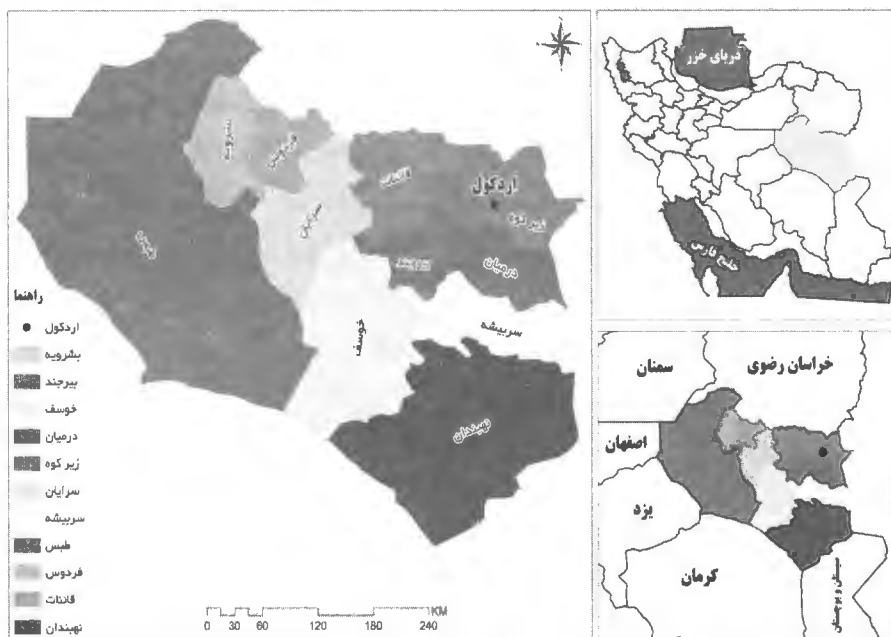
دانشگاه پیام نور - گروه زبان و ادبیات فارسی

مشهد

معرفی مناطق مورد مطالعه

در این مبحث، مناطق مورد مطالعه به صورت مختصر معرفی و موقعیت جغرافیایی هر یک از آن‌ها روی نقشه نشان داده می‌شود.

۱- آردکول

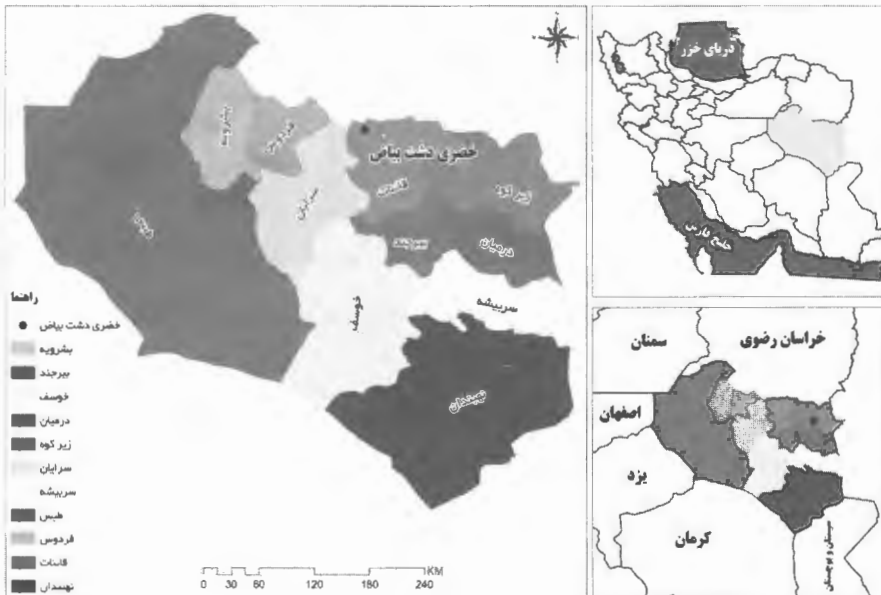


اردکول *ardakul*، با مختصات جغرافیایی طول ۶۰ درجه و ۳ دقیقه و عرض ۳۳ درجه و ۲۹ دقیقه از توابع زیرکوه قاینات در خراسان جنوبی است. این روستا در دامنه کوهی با ارتفاع ۲۱۵۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است که از یک طرف به تنگه حاجی‌آباد و رشته‌کوه شاسکوه (= شاهکوه) و از سوی دیگر به تنگه و رشته‌کوه آهنگران محدود است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور ۱۳۸۸ الف: ۱۲۸). اسم این محل، برگرفته از نام قنات اصلی روستاست که در گویش محلی «قصبه ادکول» *qasabey adkul* نامیده می‌شود.^۱ اردکول ۱۲۵ خانوار و حدود ۵۲۰ نفر جمعیت دارد. برخی از مردم این روستا، در بازارچه مرزی یزدان با کشور افغانستان مراوده تجاری دارند گروهی نیز به زراعت، باغداری و دامداری مشغول‌اند. آب مورد

۱- در نزدیکی روستای سیدآباد، از توابع بخش سرولايت شهرستان نیشابور در استان خراسان رضوی، نیز قناتی به نام اردکول وجود دارد.

نیاز برای کشاورزی، از قنات اصلی و ۱۱ قنات و چشمه پیرامون آن تأمین می‌شود. محصولات عمده زراعی و باغی اردکول عبارتند از: زعفران، زرشک، عناب، پنبه، چغندر قند، گندم، گردو، انار و انگور. افزون بر این، اردکول از روستاهای هدف گردشگری طبیعی در خراسان جنوبی به‌شمار می‌رود. اردکول روی گسل فعال زلزله قرار دارد، به‌همین سبب در آن بنا یا اثری نمانده که بتوان بر مبنای آن، درباره تاریخ و پیشینه روستا سخن گفت. با این حال، در ۵ کیلومتری جنوب غربی این روستا بقایای قلعه‌ای به نام «چلونک» čellunak دیده می‌شود که با شماره ۱۵۲۸۱ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است. مثل بیشتر قلعه‌های کوهستانی با شرایط و ویژگی‌های مشابه، چلونک را از بناهای پیش از اسلام و یکی از پایگاه‌های اسماعیلیان در دوره اسلامی می‌دانند. در زلزله ۷/۲ ریشتری بیستم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۶ حدود دو سوم گویشوران اردکولی جان باختند و گویش آن‌ها در معرض خاموشی و فراموشی قرار گرفت.

۲- دشت بیاض



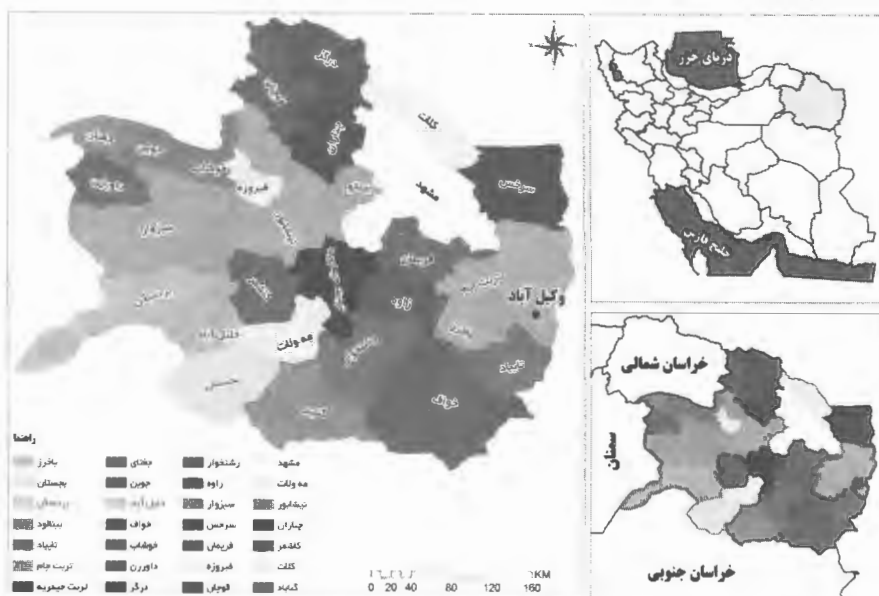
دشت بیاض dašt-e bayāz، با مختصات جغرافیایی طول ۵۸ درجه و ۴۹ دقیقه و عرض ۳۴ درجه و ۱ دقیقه از توابع شهرستان قاینات در خراسان جنوبی است. دشت بیاض در ۳۲۰ کیلومتری جنوب مشهد و ۱۶۰ کیلومتری شمال بیرجند، حد فاصل شهرهای قاین و گناباد قرار دارد و در متون تاریخی از آن با نام «اسپیذ رُستاق» نیز یاد شده است. در سال ۱۳۶۲ با ادغام

دشت بیاض و آبادی مجاور، خُضری، شهر خضری دشت بیاض شکل گرفت. بین این دو محل، حدود ۲ کیلومتر زمین کشاورزی قرار دارد و گویش آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. خضری دشت بیاض، حدود ۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد. زندگی مردم این شهر بر پایه کشاورزی و دامداری است و تأسیس شرکت سهامی زراعی با تولید محصولات زراعی، دامی، باغی و لبنی نقش بسزایی در رونق اقتصادی شهر، ایجاد اشتغال پایدار و تأمین نیازمندی‌های استان خراسان جنوبی داشته است (نک: رجبی، ۱۳۸۴: ۲۵۵؛ قلی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳).

برپایه متون جغرافیایی تا اوایل دوره اسلامی در مجاورت دشت بیاض، شهری آباد با نام «پارس» وجود داشته که گاه این نام به کل منطقه نیز اطلاق می‌شده است. درخت چنار دوهزار ساله با محیط تنه ۱۸ متر، از بازمانده‌های این شهر تاریخی بود که چند سال پیش در آتش سوخت. بخش اعظم غار موسوم به «پارسان» یا «فارسان» واقع در حدود ۱۲ کیلومتری محل فعلی شهر خضری دشت بیاض نیز فرو ریخته و از آن، تنها هلالی پُل مانند باقی مانده است. در کنار این دهانه پُل مانند، غاری دیگر با فضای وسیع و دهلیزهای متعدد وجود دارد که در ابتدای تالار اصلی آن گوشه یک حوض در زیر تلی از سنگ و خاک پیداست (نک: رجبی، ۱۳۸۴: ۱۲۷). در بخش «داراب در غمان و دریابار» از کتاب *داراب‌نامه* نیز از «پارس خراسان» سخن به میان آمده است: «... اما چون داراب را در کشتی نشانند و روان کردند، گفت: «این ساعت باری پرستم، تا فردا چگونه شود.» چون شب اندرآمد، کموز فرموده بود که بند بر پای داراب نهید و نگاه داریدش. قضا را این غلام نگاه‌دارنده از خراسان بود از ولایت پارس برابر داراب بنشست و می‌گریست ... داراب چون این سخن بشنید گفت: «ای غلام تو از کدام شهری؟» گفت: «از ولایت پارس». گفت: «نام تو چیست؟» گفت: «بهزاد». داراب گفت: «من داراب ابن اردشیرم و مادر من همای است» (طرسوسی، ۱۳۷۴: ۸۹/۱-۹۰).

در دوره حکومت تیموریان، ولایت فارس و دشت بیاض به شکوفایی و رفاه نسبی رسید. در این زمان، امیرحبیب دشت بیاضی به همراه جمشید قارنی از شهر قاین به ملازمت و رکاب تیمور درآمد. در زمان سلطان حسین بایقرا نیز بزرگان این منطقه با دربار مرواده نزدیک داشتند. برخی از بزرگان دشت بیاض در قرن‌های گذشته عبارتند از مولانا محمدولی دشت بیاضی، فصیح‌الدین محمد بن علی دشت بیاضی، محمد مؤمن دشت بیاضی، محمد معصوم دشت بیاضی، محمد کریم دشت بیاضی (نک: سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۶۸۵-۷۰۹).

۴- وکیل آباد

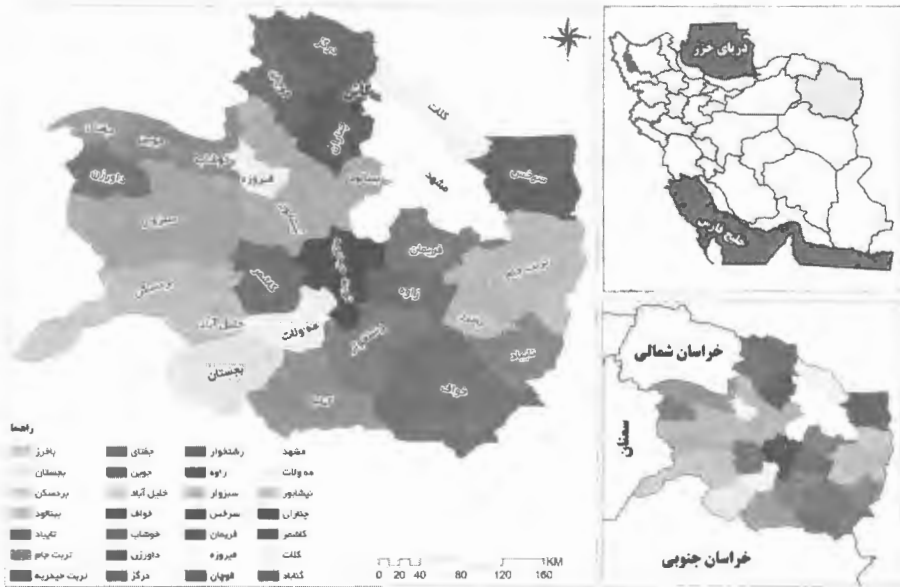


وکیل آباد با مختصات جغرافیایی طول ۶۰ درجه و ۵۵ دقیقه و عرض ۳۵ درجه و ۱۱ دقیقه، روستایی مرزی در دهستان زام از توابع شهرستان تربت جام در خراسان رضوی است. این روستا در ۳۲ کیلومتری جنوب شرق شهر تربت جام واقع شده است. وکیل آباد ۷۰ خانوار، ۳۵۵ نفر جمعیت و حدود نیم قرن قدمت دارد. بیشتر مردم این روستا به زراعت و دامداری می پردازند. عمده محصولات زراعی آن ها گندم، جو، زیره، خربزه، پنبه و چغندرقد است (فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور، ۱۳۸۴ الف: ۱۲۴). برپایه تحقیق میدانی، پیشینیان این روستا حدود ۳۰۰ سال پیش از منطقه قلعه کاه از توابع فراه در کشور افغانستان به خراسان رضوی مهاجرت کردند. آن ها ابتدا در اطراف شهرستان های خواف و تایباد چادر نشین بودند سپس در وکیل آباد یکجانشین شدند. موطن اصلی این قوم در متون کهن، گاه ضمیمه هرات دانسته شده گاه بخشی از سیستان به حساب آمده و گاهی نیز از توابع قهستان شمرده شده است (نک: رجبی، ۱۳۸۴: ۶۸).

به نام «برک» که از کرک بز بافته می‌شده است و نیز چادرش^۱ ابریشمی در ایران معروف بوده است (فرهنگ جغرافیایی ایران-خراسان، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۲۵). درباره وجه تسمیه بجستان دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است: گروهی آن را صورت آوایی دیگری از «بجستان» یا «باجستان» (= محل باج‌گیری) می‌دانند. گروهی از احتمال پیوند آن با «بوزستان» (= بوستان) سخن می‌گویند. برخی نیز معتقدند جزء اول این اسم با واژه محلی «بوش/ بُش» boš/ buš «گیاهی شبیه نی، اما کوچک‌تر و ضعیف‌تر از آن» مرتبط است. در کتاب معجم البلدان، بجستان از توابع نیشابور دانسته شده است: «بجستان بکسر اوله و ثانيه، و سکون السين المهمله و تاء و فوقها نقطتان، و ألف، و نون: من قری نیشابور؛ منها أبوالقاسم مَوْقُ بن مُحَمَّد بن أحمد البجستانی المیدانی، من أهل نیشابور من أصحاب مُحَمَّد بن کَرَام، کان له قبول عند عامه، سمع من أبي القاسم بن الحصين نحو سنة ۵۲۰» (یاقوت حموی، ۱۹۷۷: ۳۴۰/۱).

۱- با تلفظ čer-šow. این واژه در ترجمه فارسی منبع مورد استفاده، «چادر شاه» آمده که به یقین نادرست است.

۶- گاش

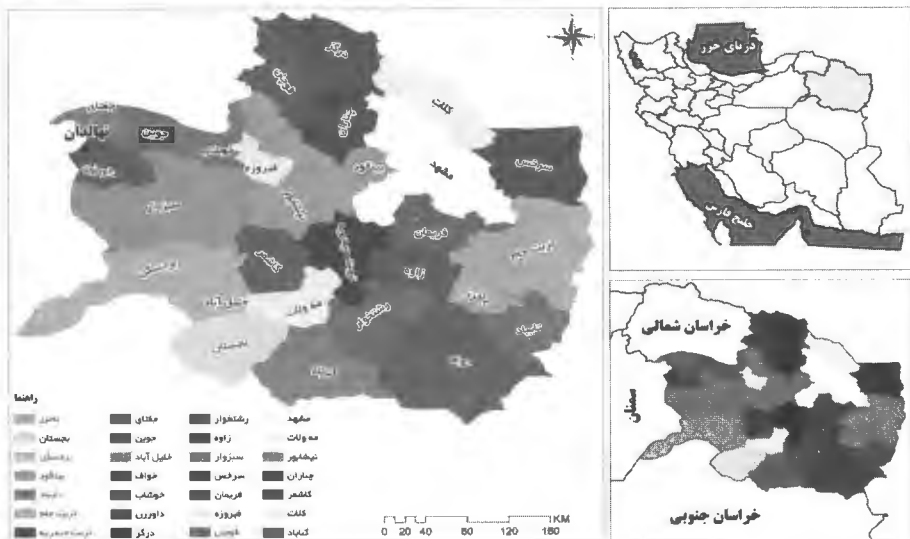


گاش gâš، روستایی پایکوهی با مختصات جغرافیایی طول ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه و عرض ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه، در دهستان بُقمچ boqmeč از توابع بخش مرکزی شهرستان چناران در خراسان رضوی واقع شده است. کوه کمربندان با ارتفاع ۲۹۷۷ از سطح دریا در شرق، شمال شرق و جنوب شرق این روستا و کوه بزمهرون با ارتفاع ۲۲۴۱ از سطح دریا در جنوب و جنوب غرب آن قرار دارد. این روستا ۱۰۹ خانوار و حدود ۵۷۸ نفر جمعیت دارد. مردم این روستا به زراعت، باغداری و دامداری می‌پردازند و مهم‌ترین محصولات زراعی و باغی آن‌ها گندم، جو، هلو، زردآلو، گردو، سیب و گلابی است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۳۸۴: ۴۱).

گاش به‌لحاظ جغرافیایی در مرکز یکی از پر رمز و رازترین مناطق کوهستانی خراسان و ایران واقع شده است. این ناحیه از جنوب شرق به گردنه مَرداوند و دریاچه بَرَنگان، و از شمال غرب به گردنه الله اکبر محدود است. سرخس، طوس، چناران، رادکان، قوچان، کلات نادری و درگز در چهار سوی این کوهستان صعب‌العبور و هوش‌رُبا قرار دارند. استان پارت، محل اقامت خانواده اشکانی و پایگاه اصلی نادرقلی افشار، همین منطقه بوده است (نک: پیرنیا و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۸، ۶۱۴). به‌لحاظ آفرینش‌های ادبی و علمی نیز این سامان با پرورش حکیم ابوالقاسم فردوسی، برادران غزالی و ... جایگاهی روشن دارد. اکنون بیشتر مردم ساکن در دامنه‌های

شمال شرق، شمال و شمال غرب این ناحیه کوهستانی به زبان‌های کردی و ترکی تکلم می‌کنند.

۷- نهالدان



نهالندان که در گویش محلی nahardu تلفظ می‌شود با مختصات جغرافیایی طول ۵۶ درجه و ۵۱ دقیقه و عرض ۳۶ درجه و ۲۶ دقیقه در دهستان مزینان از توابع داورزن در خراسان رضوی واقع شده است. این روستا، ۱۸۲ خانوار و حدود ۷۳۰ نفر جمعیت دارد و بیشتر مردم آن به کشاورزی، دامداری و پرورش کرم ابریشم می‌پردازند. انار، میوه اصلی و معروف روستاست گندم، جو، فلفل، مرزه، زیره سبز، انگور، انجیر، زردآلو، شاتوت و گردو نیز پرورش داده می‌شود (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۳۸۴: ۳۹۴). آب مورد نیاز برای کشاورزی از کوه «گر» یا «زر» با ارتفاع ۲۹۷۷ متر از سطح دریا که در ۸ کیلومتری روستا قرار دارد، تأمین می‌گردد. این روستا حداقل ۱۵ قرن قدمت دارد و جاده قدیم خراسان به استرآباد (= گرگان) از نزدیکی آن می‌گذشته است.